

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۲/۰۲

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۲/۱۵

(صفحه ۱۰۳-۱۲۲)

آصفی هروی، یکی از پیشگامان سبک نازک خیال هندی در قرن ۱۰

رضا رفایی قدیمی مشهد* - دکتر مریم صالحی نیا**

چکیده

آصفی هروی از شاعران برجسته و توانمند قرن دهم هجری است که در تذکره‌های مختلف دوره صفوی از او به‌عنوان یکی از شاعران صاحب‌سبک یاد شده است. مدعای اصلی پژوهش حاضر این است که در قرن دهم هجری جریان شعری نازک‌خیال، که زمینه را برای پیدایش رسمی این سبک در قرن یازدهم فراهم می‌کرده است، در موازات سبک وقوع وجود داشته و با استناد به سخن تذکره‌نویسان و اشعار آصفی به‌نظر می‌رسد او یکی از شاعران برجسته و از پیشگامان سبک نازک‌خیالانه بوده است. هدف مقاله حاضر، بررسی اثبات این مدعا برپایه اسناد تاریخی و ویژگی‌های سبکی اشعار این شاعر است.

کلیدواژه‌ها: آصفی هروی، نازک‌خیالی، سبک وقوع، قرن دهم هجری، سبک هندی.

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول)

** استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد

درآمد

قرن دهم هجری دوره گذار سبکی میان سبک عراقی و سبک نازک خیال قرن یازدهم است. ویژگی اصلی دوره‌های گذار سبکی وجود دو جریان مختلف شعری است؛ جریان شعری که از سبک قدیم پیروی می‌کند و جریان شعری که زمینه را برای سبک شعری جدید آماده می‌سازد. در قرن دهم هجری نیز تعداد زیادی از شاعران، پیرو سبک عراقی بوده‌اند و آن را به شکل ضعیف ادامه می‌داده‌اند که در تاریخ ادبیات از ایشان به عنوان شاعران وقوعی یاد شده است. مطالب موجود در تذکره‌های دوره صفوی تأییدکننده این نکته است که تعداد دیگری از شاعران نیز در همین دوره و به موازات سبک وقوع، اشعار نازک‌خیالانه می‌سروده‌اند و در واقع زمینه را برای شکل‌گیری رسمی این سبک، در قرن یازدهم و دوازدهم آماده می‌ساخته‌اند. تذکره‌نویسان قرن دهم ضمن بیان شرح حال بعضی از این شاعران، شاخص‌های زبانی خاصی را به کار برده‌اند که نشان‌دهنده تفاوت سبک شعری ایشان با سبک شعری شاعران وقوعی است. در واقع این دسته از شاعران که تذکره‌نویسان در مورد آنها و سبک شعری‌شان از صفاتی چون نزاقت خیال، مضمون‌بندی، سخن تازه و خیالات تازه و خاص استفاده می‌کنند، همان شاعرانی هستند که پیشگام سبک نازک‌خیالانه به‌شمار می‌روند و زمینه را برای شکل‌گیری این سبک جدید آماده می‌سازند. آصفی هروی یکی از شاعران این گروه است که در اواخر قرن نهم و ربع اول سده دهم هجری از شاعران مهم و تأثیرگذار دوره خود به‌شمار می‌آمده و نام او تقریباً در تمام تذکره‌های این دوره به‌عنوان شاعری توانمند، که سبک شعری‌اش دارای شهرت بوده و تعدادی از شاعران قرن دهم پیرو سبک او بوده‌اند، ذکر شده است؛ اما در تاریخ ادبیات آن‌چنان‌که شایسته است نامی از او و سبکش به‌میان نیامده است. به همین دلیل معرفی این شاعر و تبیین اهمیت سبک شعری او در تکوین نازک‌خیالی ضروری به‌نظر می‌رسد.

اهمیت پژوهش

در تاریخ ادبی قله‌محور ما، جایگاه و اهمیت بسیاری از چهره‌های تأثیرگذار که در دوره‌های گذار زیسته‌اند، مغفول مانده است؛ درحالی‌که بی‌تردید شاعران شناخته‌شده و صاحب‌سبک در نیل به اوج خلاقیت ادبی به‌اذعان خودشان وامدار ایشان هستند. آصفی هروی به‌گواهی

شعرش، به‌روایت تذکره‌نویسان و به اذعان شاعران بزرگ نازک‌خیال یکی از پیشگامان سبک نازک‌خیال فارسی است که کمتر در تاریخ ادبیات شناخته شده است، پژوهش حاضر اهمیت سبک شعری این شاعر و تأثیرگذاری‌اش در شعر نازک‌خیال عصر صفوی را نشان می‌دهد.

پیشینه تحقیق

پیش از این و در سال‌های دور، دو تحقیق مستقل درباره شعر آصفی صورت پذیرفته است. پژوهش نخست در سال ۱۳۴۳ با نام «خواجه آصفی هروی» به کوشش انعام الحق کوثر (نشریه هلال، شماره ۴۸) صورت گرفته است. در این پژوهش، مؤلف به‌صورت موجز آصفی را معرفی کرده و منتخبی ذوقی از اشعار و تک‌بیت‌های او را در اختیار خوانندگان قرار داده است. پژوهش دوم تحت عنوان «ادب و فولکلور: زبان مردم در شعر آصفی» توسط شاهرخ مرزدار (نشریه آریانا، شماره ۲۹۵، مرداد و شهریور ۱۳۵۰) انجام گرفته است. مؤلف در این مقاله، به عامیانگی زبان عهد تیموری اشاره کرده و برخی از ابیات آصفی را که جنبه مثل سائر یافته‌اند، نشان داده است.

روش تحقیق

روش ما در این پژوهش، رویکرد مبتنی بر تاریخ ادبیات است. از آنجا که از عصر تیموری به بعد، تذکره‌نویسان با اظهار نظر در مورد مسائل مختلف شعری، در واقع نوعی از نقد ادبی را رواج می‌داده‌اند؛ می‌توان تذکره‌ها و منابع ادبی این دوره را بهترین مستندات برای پژوهش در ابیات قرن نهم به بعد دانست. بنابراین، بخش عمده ارجاعات ما در این مقاله به تذکره‌های دوره تیموری و صفوی خواهد بود. به این دلیل که در منابع متأخر تاریخ ادبیات اطلاعات اندکی در مورد آصفی نقل شده، در ابتدای پژوهش، سیمای آصفی در کلام تذکره‌نویسان را بررسی خواهیم کرد و در ادامه برخی همانندی‌های شعر او را با شعر باباغانی، که او را پیشوای طرز تازه دانسته‌اند، نشان خواهیم داد. در بخش بعدی اهمیت سبک شعری آصفی در تحول سبک نازک‌خیال را با استناد به تقلید و توجه دو شاعر سردمدار نازک‌خیالی و دورخیالی، یعنی صائب تبریزی و بیدل دهلوی و همچنین تقلید چند شاعر نازک‌خیال قرن دهم نمایان خواهیم ساخت. در بخش انتهایی مقاله نیز، ویژگی‌های نازک‌خیالانه اشعار آصفی را تبیین و بررسی خواهیم کرد.

آصفی به روایت تذکره‌نویسان

آصفی هروی (۸۵۳-۹۲۳) از شاعران کمتر شناخته‌شدهٔ قرن دهم است. قدیمی‌ترین منبعی که می‌توان شرح حال آصفی را در آن یافت، تذکرهٔ دولت‌شاه سمرقندی است. مسائل مطرح‌شده در این تذکره دربارهٔ این شاعر از اهمیت زیادی برخوردار است؛ چرا که این تذکره اولاً در زمان حیات شاعر نگاشته شده و ثانیاً مؤلف آن در ترجمهٔ شاعر، علاوه بر مسائل زندگی‌نامه‌ای و نسب شاعر، در مورد سبک شعری وی نیز سخن گفته و او را ایهام‌اندیش دانسته است:

«... و این بزرگ‌زاده نیز از خاندان وزارت است و پدرش دستور اعظم خواجه نعیم الحق و الدین نعمت‌الله کساحه الله بلباس الغفران به روزگار خاقان سلطان ابوسعید انارالله برهانه، وزیر با استقلال و استحقاق بوده و از جمله وزرای روزگار چون او به کاردانی و حساب‌شناسی و کفایت، وزیر نبوده و پدر خواجه نعمت‌الله مولانا علاء‌الحق و الدین علی به روزگار حضرت صاحبقرانی کفیل مهمات سلطانی بوده و مشرف خزانهٔ عامره. مردی حقانی و بامروت بوده و از او آثار اولیاء‌الله دیده‌اند... و خواجه آصفی در شاعری مرتبهٔ اعلی و در فضیلت درجهٔ اوفی دارد، ایوم وزرای این روزگار اکرام این بزرگ‌زاده باقصی‌الغایه می‌دارند و حسب شریفش بر نسب منیف اسلاف عظام او شاهد عدل است. و ما از سخنان خیال‌پرور و ایهام‌اندیش او که در صدف معانی است مطلع غزلی ثبت خواهیم نمود:

۱. در مورد تاریخ وفات آصفی در میان تذکره‌نویسان اختلاف نظر وجود دارد. در تحفهٔ سامی، ۹۲۰ق، در آتشکده، ۹۲۱ق و در خلاصه‌الاشعار و ریاض‌الشعراء (واله داغستانی، ص ۲۳۴) تاریخ وفات او را به اشتباه ۹۲۸ق ضبط کرده‌اند. حتی مؤلف حبیب‌السیر نیز - که از نظر زمانی معاصر شاعر بوده - ماده تاریخ وفات او را اشتباه گزارش کرده است: «وفات خواجه آصفی در شانزدهم شعبان احدی و عشرين و تسعمائه (۹۲۱ق) اتفاق افتاد و جهت ضبط ماه و سال مذکور بلبل طبع امیر سلطان ابراهیم این ترنم آغاز نهاد:

چون آصفی آن چشم خرد را مردم
در ابر اجل گشت نهنان چون انجم
پرسید دل از من که چه آمد تاریخ
گفتم: «ز برات آمده روز دوم»

(نک: نوایی، ص ۲۰۷)

بعدها مؤلف تذکرهٔ هفت‌اقلیم با ذکر بی‌کم و کاست عبارت حبیب‌السیر، تاریخ فوت را به صورت صحیح ۹۲۳ عنوان کرد (امین احمد رازی، ج ۱، ص ۸۷). البته این اشتباهات تذکره‌نویسان در مورد تاریخ وفات آصفی احتمالاً به دلیل عدم دسترسی آنها به دیوان آصفی صورت گرفته است؛ چرا که او در خلال اشعار خود در یکی از رباعیات به مدت عمر خود اشاره کرده (آصفی، ص ۲۴۴ بیت ۲۳۸۵-۲۳۸۶) فقط مؤلف عرفات العاشقین این رباعی را در تذکرهٔ خود آورده و در سایر تذکره‌ها سخنی از ولادت و مدت زندگی او به میان نیامده: «... هفتاد سال حیات یافته و تاریخ وفات خود، خود گفته. قال:

سالی که رخ «آصفی» به هفتاد نهاد
شد در هفتاد و مصرع تاریخ است
هفتاد تمام کرد و از پای فتاد
«پیموده بقا به گام هفتاد»

(اوحدی بلیانی، ص ۴۷۸)

به این ترتیب می‌توان با توجه به این رباعی و استناد به سخن اوحدی بلیانی، مدت عمر آصفی را ۷۰ سال دانست که در این صورت سال ولادت او را باید ۸۵۳ در نظر گرفت.

بسی خود را در آب دیده چون ماهی وطن دیدم که تا قلاب زلفش را به کام خویشتن دیدم» (دولت‌شاه سمرقندی، ص ۵۱۶-۵۱۷)

مؤلف هفت‌اقلیم می‌نویسد: «گاهی در سایه تربیت امیر نظام‌الدین علیشیر به سر می‌برده...» از این عبارت چنین برمی‌آید که او از نزدیکان امیر علیشیر نوایی بوده است. در اینکه او از شاگردان برجسته عبدالرحمن جامی بوده شکی نیست: «... و از اصحاب مولوی جامی است. دیوانش شهرتی تمام دارد. گویند مولوی شعر وی را پس از شعر دیگر شاگردان استماع فرمودی. آصفی رنجیده، از این معنی شکوه نمود، مولوی فرمود که نه لقمه لذیذ را پس از همه طعام‌های دیگر می‌خورند که چاشنی او تا دیری در مذاق ماند؟»^۱ (امین احمد رازی، ص ۸۷۱).

سام میرزا که انتخاب‌هایش در تحفه سامی نشان طبع وقوعی‌پسند اوست، می‌گوید: «دیوان غزل تمام کرد و مثنوی به طرز مخزن الاسرار گفت؛ اما شهرتی نکرد» (سام میرزا، ص ۱۴۳).

میر عبدالباقی نهاوندی، مؤلف تذکره مآثر رحیمی مقدمه‌ای بر دیوان عرفی شیرازی نوشته که در آن، سیر تحول شعر فارسی را تا اواخر قرن ۱۰ با دیدگاهی انتقادی بررسی و تبیین کرده است. نظرات این تذکره‌نویس در این مقدمه، یکی از معدود نظرات انتقادی در مورد شعر قرن ۱۰ است.^۲ عبدالباقی نهاوندی در تبیین شیوه‌های سخنوری قرن ۱۰، بابا فغانی و آصفی را در

۱. برای آگاهی‌های بیشتر درباره زندگی این شاعر نک: اوحدی بلیانی، ج ۱، ص ۴۷۰؛ سام میرزا، ص ۱۴۳.

۲. عبدالباقی در بخشی از مقدمه خود، با دیدی انتقادی، سیر شعر فارسی در قرن ۱۰ را تبیین کرده است: «در زمان میرزای مؤمنی‌الیه [سلطان حسین بایقرا (وفات: ۹۱۱م)]، مولانا عبدالرحمن جامی و میر علیشیر نوایی و بابافغانی و اهلی شیرازی و خواجه آصفی و میرشاهی و دیگر دانشمندان و سخنوران بوده‌اند و طرز و روشی خاص که از قدما تجاوز نموده، به طرز که الحال در میانه مستعدان است، اختیار نموده‌اند و سخن‌آفرینی‌ها کرده‌اند و آن طرز را مستعدان و سخن‌سنان پسندیده و به آن رغبت نموده‌اند... چون این سخن‌سنان سر در نقاب خاک کشیدند جمعی دیگر صاحب عیار دارالمعیار سخنرانی و سخن‌دان دارالملک نکته‌دانی شدند مثل میرزا شرف جهان و مولانا لسانی و شریف تبریزی و یحیی لاهیجانی و مولانا محتشم کاشی و ضمیری اصفهانی و وحشی بافقی. (مکتب وقوع) این طبقه غیر از آن طرز را اختیار نموده‌اند، [چرا] که به روش متأخرین آشنا شده‌اند، تا آنکه نوبت جهانداری به میرزا قلی میلی و خواجه حسین ثنایی و ولی دشت‌بیاضی... و دیگر سخن‌سرایان بلاد عراق و خراسان رسید. این طبقه یکباره منکر طرز متقدمین شدند و خواجه حسین ثنایی بیشتر از همه قدم در وادی تازه‌گویی نهاد. با آنکه ضمیری اصفهانی و محتشم کاشی و دیگران آن طرز را پسندیده می‌داشته‌اند، این جماعت یکباره خود را از آن طرز و روش بیگانه ساختند و مستعدان ایران را طرز این جماعت که با آغاز تازه‌گویی و زبان‌دانی وقوع درهم بود، به غایت خوش آمده اشعار ایشان را در سفاین خاطر خود ثبت می‌نمودند و هر چه بر زبان حقیقت میان ایشان می‌گذشت به دستور باد صبا در سراسر ایران و توران سیار می‌بود. تا آنکه روزگار میدان سخنوری و عرصه فصاحت و دانشوری را به وجود فایض الجد حسان الزمان مولانا عرفی شیرازی بیاراست... و طرز متقدمین و متأخرین که قبل از زمان سخن‌سنجی و نکته‌گزاری او در میدان فصاحت اسب بلاغت رانده بودند منسوخ ساخته طرز تازه که در میان مستعدان ربع مسکون پسندیده است میانه عالم آورده و فاضلان این فن و استادان این علم به این طرز معتقد شده پایه سخنوری و مدار نکته‌پردازی بدان نهادند...».

کنار یکدیگر به‌عنوان دو تن از پیشوایان نازک‌خیالی در قرن ۱۰ معرفی کرده است:
«... باباغانی و خواجه آصفی و اهلی شیرازی و میرشاهی و دیگر دانشمندان و سخنوران بوده‌اند و طرز و روشی خاص که از قدما تجاوز نموده، به طرزی که الحال در میانه مستعدان است، اختیار نموده‌اند و سخن آفرینی‌ها کرده‌اند و آن طرز را مستعدان و سخن‌سنان پسندیده و به آن رغبت نموده‌اند...»
(عرفی شیرازی، برگ ۶-۷).

صاحب عرفات العاشقین نیز ذیل ترجمه باباغانی در تشخیص سبک وی می‌گوید:
«... و چون بابا از شیراز عزیمت سفر نمود، اول سیر هرات فرمود و در آنجا به صحبت و خدمت مولانا جامی در رسید و چون شعرای خراسان وی را دیدند و طرز و روشی که مخالف ایشان بود از وی مشاهده نمودند آن را نپسندیدند... چه در آن زمان هیچ‌کس متوجه شعر قدما و طرز و روش ایشان نبود و همه به روشی سهل که متعارف آن زمان شده بود شعر می‌گفتند و جمیع را ظن اثم و تصور باطل آنکه جمیع طرز و روش‌ها، حتی روش قدما، البته در جنب آن روش خاص ایشان منسوخ خواهد بود و چون ایشان محظوظ از روش استادان قدیم نیستند، هیچ‌کس تا قیامت نخواهد بود و شیوه ایشان ناسخ طرزهاست و این تازه‌گویی‌ها و روش‌ها که ظاهر شده آن‌وقت هیچ در عرصه نبود» (اوحدی بلیانی، ص ۳۲۰).
با نظر به آنچه تقی اوحدی از تشخیص سبکی باباغانی گفته است، اینکه عبدالباقی نهایندی آن دو را همدریف دانسته است، بسیار معنادار می‌شود. در بررسی دیوان این دو شاعر ابیاتی را یافتیم که به‌نظر می‌رسد در پیروی از یکدیگر سروده‌اند. شباهت بسیاری در زمین غزل^۱، شیوه تصویرسازی و استفاده از واژه‌ها در این ابیات مشاهده می‌شود؛ برای نمونه برخی از ابیات ذکر می‌شود:

بازم صبا به برگ گلی یاد می‌کند	زان گل به رقع‌ای دل من شاد می‌کند
(آصفی، ص ۵۸)	
چشمم ز گرد آن کف پا یاد می‌کند	می‌گیرد و نسیم صبا باد می‌کند
(باباغانی، ص ۱۸۶)	
به ناخن می‌کنم دل از درون فریاد می‌آید	ز کوه غم صدای تیشۀ فرهاد می‌آید
(آصفی، ص ۶۲)	
چه می‌پرسی فغانی داستان دلخراش من	که گر بر کوه می‌خوانند در فریاد می‌آید
(باباغانی، ص ۱۸۰)	

۱. زمین غزل، اصطلاحی در شعر دوره صفوی است که گستره وزن، ردیف و قافیه را دربرمی‌گیرد (برای اطلاعات بیشتر نک: قهرمان، ص ۱۱).

- گل‌های امیدم همه این رنگ برآورد
صد غنچهٔ پیکان به دلم زنگ برآورد
(آصفی، ص ۶۱)
- زین خرقةٔ تر آینه‌ام زنگ برآورد
دود از دل من بادهٔ گلرنگ برآورد
(بابا فغانی، ص ۲۲۸)
- ندارم صبر و دارم اضطراب هم‌رهی آنجا
چو در راهی خرامان سایه‌وار افتاده در پایت
(آصفی، ص ۱۲)
- چو هرگز از عزیزان نیست با من هم‌رهی آنجا
که می‌داند که چونم می‌کشد در خلوت آن بدخو
(بابا فغانی، ص ۸۶)

توجه شاعران صاحب‌سبک نازک‌خیال و دورخیال به شعر آصفی

صائب: صائب شاعر نامدار و صاحب‌سبک نازک‌خیالان قرن ۱۱ به شعر آصفی توجه داشته است. او یکی از غزل‌های خود با مطلع:

ازان به خاطر من ترک کار دشوارست
که بار دوش توکل شدن به دل بارست
را در جواب یکی از غزل‌های آصفی سروده است. چنان که خود او در بیت مقطع غزل به این موضوع اشاره می‌کند:

جواب آن غزل آصفیست این صائب
زمانه‌ایست که هر کس به خود گرفتارست
(صائب، ج ۲، ص ۵۶۴)

در دیوان صائب، ابیاتی نیز وجود دارد که به‌نظر می‌رسد تحت‌تأثیر اشعار آصفی سروده شده باشند.^۱

بیدل: بیدل دهلوی که در قرن ۱۲ سبک دورخیال را به اوج رساند، به شعر آصفی

۱. صائب در برخی از ابیات هم در وزن و هم در استفاده از واژگان از آصفی تقلید کرده است:

از دل پر خون تراوش کم کند اسرار عشق
پرده‌پوش راز گوهر سینۀ دریا بس است
(صائب، ج ۲، ص ۵۰۵)

در جواب این بیت آصفی:

پشته‌های ریگ را مژگان مجنون خار شد
اشتران موج را خار و خس دریا بس است
(آصفی، ص ۲۲)

در مواردی نیز پیروی فقط در حوزهٔ استفاده از مضامین و واژگان است:

از روی گشاد فیض می‌بارد
در خندهٔ برق امید باران است
(صائب، ج ۲، ص ۱۱۰۱)

در جواب:

رخ تو هر که در آئینه دید، گریان است
چو مه ز هاله نماید، دلیل باران است
(آصفی، ص ۲۹)

توجه داشته است. سند تاریخی که در آن توجه بیدل به شعر آصفی منعکس شده سفینه خوشگو است:

«... شبی میرزا بیدل بر این دو بیت او بسیار محظوظ بودند و فقیر خوشگو حاضر بودم که مکرر می فرمودند که بیت آخرین قیامت است.

تا برافروخته‌ای ز آتش می سفید
شمع پیرانه سر آتش زده در موی سفید
در شفق دید مه عید و اشارت‌ها کرد
پیر ما سوی می سرخ به ابروی سفید»
(خوشگو، ص ۲۰)

در شکل زیر، روند تطور سبک شعر دوره صفوی و جایگاه آصفی در آن، مشخص شده است:



مقلدان آصفی و تبیین مختصات سبک شعری او

در منابع ادبی دوره صفوی، «نزاکت» یکی از کلماتی است که خواننده این متون به صورت مکرر با آن مواجه می‌شود. این واژه مصدر جعلی است از «نازکی» که در قرون ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ یکی از واژه‌های پرسامد در تذکره‌هاست. در واقع تذکره‌نویسان برای معرفی شاعران نازک‌خیال معمولاً از این واژه استفاده می‌کرده‌اند. چنانچه سام میرزا، مؤلف تذکره تحفه سامی، در شرح حال آصفی چنین آورده است: «به صفای ذهن سلیم و ذکای طبع مستقیم از شعرای روزگار و فضلالی عالی مقدار امتیاز تمام داشت، به رعنائی و خودآرایی علم نزاکت می‌افراشت» (سام میرزا، ص ۱۴۳).

خود آصفی نیز به نازکی شعرش اشاره کرده است:

ز خوبان گفته‌های آصفی حالی دگر دارد
که او را سوز خسرو نازکی‌های حسن دیدم
(آصفی، ص ۱۴۳)

یکی دیگر از مهم‌ترین ویژگی‌های سبک نازک‌خیال تلاش شاعران برای ارائه «سخن خاص» است. به طور کلی در نظر ایشان، اهمیت معنا بیش از لفظ است و بر همین مبنا سخن خاص گفتن

مترادف ایجاد معانی خاص است. طریقهٔ ایجاد معانی خاص در شعر شاعران نازک‌خیال، بیگانه‌سازی کلام و غرابت بوده است. صائب در یکی از غزلیات خود به این نکته اشاره کرده است: هرکس به ذوق معنی بیگانه آشناست صائب به طرز تازهٔ ما آشنا شود (صائب، ج ۳، ص ۱۲۹۷)

آصفی در خلال اشعارش به این نکته مستقیماً اشاره کرده است: شهرت گرفته، گفتهٔ «خاص» تو آصفی هرچه خاص‌تر سخنت، عام‌گیرتر (آصفی، ص ۱۱۲)

آصفی لوح سخن، رنگین ز رنگ خاص به نخل‌بندی کن به گل‌های خیال خویشتن (همو، ص ۱۹۲)

این اشاره‌های مستقیم شاعر به روش شعری‌اش را می‌توان یکی از نشانه‌های مهم پیشوایی او در سبک نازک‌خیال در قرن ۱۱ و ۱۲ دانست. همچنین در تذکره‌های عصر صفوی از آصفی به‌عنوان شاعری یاد شده که شاعرانی دیگر که در قرن دهم و پیش از رواج سبک نازک‌خیال می‌زیسته‌اند از سبک شعری او تقلید کرده‌اند. در منابع مختلف شش شاعر به‌عنوان مقلدان و پیروان آصفی معرفی شده‌اند. اشارات مکرر تذکره‌نویسان به تقلید سبک آصفی و بابا‌فغانی در قرن دهم نشان‌دهندهٔ اهمیت این دو شاعر و نقششان در برآمدن تدریجی سبک نازک‌خیال است. در جدول ذیل نام شاعران پیرو آصفی به‌همراه شیوهٔ تتبع ایشان از او می‌آید:

شاعر	سخن تذکره‌نویس
اشکی قمی	در شعر خیالات خوش دارد. تتبع آصفی می‌کند (بداؤنی، ج ۳، ص ۱۲۹).
	همیشه در طرز خواجه آصفی و دیگر مضمون‌گویان طبعش به خیالات خاص مایل بود و در آن اسلوب سعی تمام می‌نمود و دایم در خیال پیدا کردن مضمون غریب بود (تقی کاشی (بخش قم و ساوه)، ص ۵۸).
خواجه‌گی عنایت	الحق شاعری خوشگوست و در طرز شاعری و غزل‌سرایی تتبع خواجه آصفی می‌کند و در آن طرز سخنان مقبول و دلپذیر دارد (تقی کاشی (بخش کاشان)، ص ۵۰۸).
میرمسعود	در طرز غزل تتبع خواجه آصفی می‌کرد. الحق در تشبیهات و اغراقات و مضامین خاص، فضلا و شعرا او را مسلم می‌داشتند (همان، ص ۶۴۶).
پیروی	اکثر پیرو خواجه آصفی است. در تصویر دستی چابک داشت و از راه صورت پی معنی برده (بداؤنی، ج ۳، ص ۱۳۵).
والهی بخاری	در تخیل معانی دقیقه تتبع آصفی می‌نماید (نثاری بخارایی، ص ۱۵۳).
سوزی	در طرز غزل‌سرایی تتبع خواجه آصفی می‌کرد (تقی کاشی (بخش قم و ساوه)، ص ۲۱۵).

مشخصه‌هایی که تذکره‌نویسان مختلف در شرح حال شاعران مقلد آصفی ذکر کرده‌اند

نشان‌دهندهٔ شیوهٔ خاص پیروی آنها از سبک آصفی است. با دقت در سخن تذکره‌نویسان و شاخص‌های بیانی و ادبی خاصی که برای مقلدان سبک آصفی، شمرده‌اند، می‌توان این شاخص‌ها را به‌عنوان ویژگی‌های سبکی آصفی به‌عنوان شاعری نازک‌خیال بیان کرد؛ چرا که تمام این ویژگی‌های شعری، از موارد مورد علاقهٔ شاعران نازک‌خیال قرن ۱۱ است و در سبک ایشان بسامد چشمگیری دارد؛ این ویژگی‌ها عبارت است از:

۱. اغراق نازک‌خیالانه

یکی از ویژگی‌های سبکی شعر آصفی به‌کارگیری اغراق‌های نازک‌خیالانه است، به این معنا که استفادهٔ شاعر از اغراق در کلام با آنچه در شعر شاعران پیشین اغراق نامیده می‌شود، متفاوت است. اگر خاقانی در بیت:

نوح نه بس علم داشت، گر پدر من بُدی
قنطره بستنی به علم بر سر طوفان او
(خاقانی، ص ۳۶۵)

از اغراق استفاده می‌کند، این اغراق صرفاً مبتنی بر ادعایی محال است. در واقع خوانندهٔ شعر خاقانی پس از خوانش این بیت متوجه می‌شود که «قنطره بستن بر سر طوفان نوح» امری است که عادتاً محال است. شگفتی خواننده در اینجا فقط به دلیل ادعای مبتنی بر اغراق شاعر است؛ اما در این بیت آصفی:

عمری ست در چه ذقنت تشنه‌لب خوشم
ترسم که آب دیده برآرد از آن مرا
(آصفی، ص ۸)

اغراق شاعرانه علاوه بر جنبهٔ ادعایی، جنبهٔ نازک‌خیالانه نیز دارد. در واقع شاعر برای طرح ادعای اغراق‌آمیز خود از اضافهٔ تشبیهی «چه ذقن» در مصراع اول استفاده می‌کند و سپس در مصراع دوم برای خیال‌انگیزتر کردن اغراق، آب دیده را با تشبیه «مضمّر» به سیل شباهت می‌دهد. استفاده از صور خیال در این حالت اغراق را از جنبهٔ ادعایی آن فراتر می‌برد و به آن، خیال‌انگیزی نیز می‌بخشد.

نمونه‌های دیگر:

بر اوج برد موج سرشکم چنان که دوش
سدره نمود در ته پا، آسمان مرا
(همو، ص ۸)

سرشک به دریا تشبیه شده و متعلق دریا یعنی موج، به سرشک اضافه شده و به خلق

ترکیب استعاری «موج سرشک» انجامیده است. موج سرشک آن قدر عظیم است که شاعر را از دریای اشک بلند می‌کند و به حدی بالا می‌برد که درخت سدره‌المنتهی در فلک، زیر پای شاعر قرار می‌گیرد.

ز بهر تربیت آن عقیق لب، تا روز سرشک گرمرو امشب مرا سهیلی بود

(همو، ص ۵۷)

عقیق یمانی بهترین نوع عقیق است و سهیل نیز در یمن به بهترین شکل مشاهده می‌شود (برای اطلاعات بیشتر نک: ماهیار، ص ۲۳۶) لب عقیق‌گون معشوق و سهیل در ذهن خیال‌اندیش شاعر در تناسب با یکدیگر به کار رفته‌اند. از سویی اشک شاعر زلال و شفاف است و در مناسبت با عقیق لب معشوق و ستاره سهیل در معنای حقیقی (از جهت سرخی و درخشانی)، نقش راهبری و راهنمایی عاشق را برعهده دارد.

۲. تشبیهات خاص و نازک خیالانه

آصفی برای ساخت تصاویر، به استفاده از تشبیهات خاص علاقه دارد. مراد از تشبیهات خاص، تشبیهات جدیدی است که در شعر شاعران قبل از آصفی کمتر به موارد مشابه آنها برمی‌خوریم و در عین حال، بسامد بالای چنین تشبیهاتی در شعر آصفی قابل توجه است. استفاده از تشبیهات خاص در قرن ۱۰ به دلیل تسلط و غلبه شعر وقوعی امری غیرعادی به حساب می‌آمده است؛ لیکن تذکره‌نویسان به وجود چنین تشبیهاتی در این دوره واقف بوده‌اند. به‌عنوان مثال، میر تقی‌الدین کاشانی در خلاصه‌الاشعار در توصیف شاعری به نام میرزا ابراهیم (وفات: ۹۸۹ق) تشبیهات غریب و خاص را به‌عنوان یکی از ویژگی‌های شعریش برشمرده است: «سخنان عجیبه و تشبیهات غریبه بر لوح بیان می‌نگاشت...» (تقی کاشی (بخش اصفهان)، ص ۳۸۵).

تشبیه برای آصفی وسیله‌ای است که بتواند با آن اندیشه‌های نازک خود را در قالب کلمات بریزد؛ مثلاً در این بیت:

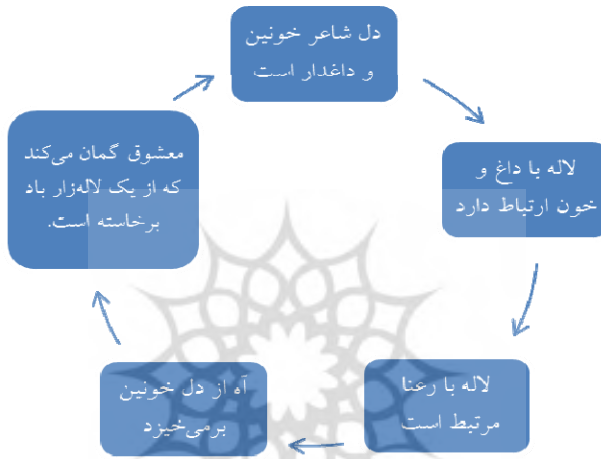
ز خونین داغ‌ها، دل می‌کشد آهی و آن رعنا تصور می‌کند کز لاله‌زاری باد می‌آید

(آصفی، ص ۶۳)

موتیف اصلی این بیت، «آه» است. شاعر با تصویرسازی‌های شگرف، آه کشیدن خود را نشان

داده است. خوشه‌های واژگانی مورد استفادهٔ شاعر کاملاً برای بیان احساسات شگرف او مناسب واقع شده‌اند و به خلق یک تصویر زنجیره‌ای نازک خیالانه منجر شده‌اند. یا در این بیت:

دل‌م را صوت سیل دیده، در فریاد می‌آرد چو کوهی کز سرود آب، می‌پیچد صدا آنجا
 (همو، ص ۱۰)



شاعر برای بیان شدت اندوه و زیاد بودن اشک چشم، ابتدا فراوانی اشکش را به سیل تشبیه کرده و سپس فریاد دل‌دردمند خود از صدای سیل اشک را به کوهی تشبیه کرده است که چشمهٔ آب در آن جریان دارد و صدای حرکت آن آب در کوه انعکاس می‌یابد. چنان‌که می‌بینیم ویژگی اصلی تشبیهات آصفی، استفاده از تشبیهات ملموس و وجه‌شبه‌های مرکب است. خواننده پس از درک ارتباط تصویرسازی‌های خیال‌انگیز شاعر، دچار شگفتی می‌شود و این، همان چیزی است که شاعران نازک‌خیال به دنبال آن هستند؛ طرح تصویر دقیق و خیالی که خواننده را درگیر می‌سازد و پس از کشف ابهام، لذتی شبیه به کشف معما را در وی برمی‌انگیزد. نمونه‌های دیگر:

چنان بریاد آن گل، عطرپرور بود آه من که پنداری نسیم نوبهاری می‌وزید امشب
 (همو، ص ۱۸)

معشوق در زیبایی و خوش‌بویی مانند گل است. شاعر به معشوق فکر می‌کند. سینه عاشق در پیوندی خیالی با معشوق خوش‌بو می‌شود. آهی که از سینه عاشق برخاسته به مانند بوی نسیم نوبهار خوش است.

درون سینه ز مهرت به روز وصل تهی‌ست چو روز شنبه و آدینه، مسجد جامع
(همو، ص ۱۳۰)

در این بیت باید به تشبیه جدید و خاص دل به مسجد با وجه‌شبه تقدس و پاکی توجه کرد. گویی که اشک ما، گل خار است بر مژه گه خار گل به دیده ز راه تو چیده‌ایم

(همو، ص ۱۷۴)

اشک بر مژه در مصراع اول به گل خار (نوعی گل که بر روی خود خار دارد) تشبیه شده است. خار با گل پیوند تضاد دارد. از سویی گل در مصراع دوم، همان خاک پای معشوق است. پیوند ذهنیت و عینیت در دو مصراع، به خلق تصویر نازک‌خیالانه منجر شده است.

چشم سرخم لاله‌وار، اندازه‌ خال تو داشت در درون داغ، دل ز اندازه بیرون می‌گریست
(همو، ص ۴۲)

سرخ‌چشم و مردمک آن با لاله و داغ متناظر است و مردمک چشم در سیاهی و مدور بودن با خال معشوق در ارتباط است. داغ دل در مصراع دوم با داغ لاله پیوند دارد. چو آرد در جنون سرو روان را نخل بالایش صدای آب باشد ناله زنجیر در پایش

(همو، ص ۱۲۰)

نخل بالای معشوق حسادت سرو را برمی‌انگیزد. این حسادت باعث جنون سرو می‌شود و در نتیجه، صدای آب روان زیر سرو، مانند صدای زنجیری است که بر پای دیوانگان می‌بندند.

۳. ترکیب‌های خاص و نازک‌خیالانه

یکی دیگر از مواردی که خاص بودن کلام آصفی در آن نمود یافته، ترکیب‌های خیالی جدیدی است که در شعر وقوعی قرن دهم کمتر می‌توان نشانی از آنها یافت و البته در سبک نازک‌خیالانه بسامد آنها بسیار زیاد است. ترکیب‌هایی همچون «داغ آبله»، «نیلوفر باغ لطافت»، «اضطراب مهر»، «حباب گریه» و... که به‌واسطه ذهن خیال‌اندیش آصفی ساخته شده‌اند، به شکلی مشابه در شعر شاعران برجسته نازک‌خیال و دورخیال قرن ۱۱ و ۱۲ یعنی صائب و بیدل نیز دیده می‌شود. ترکیب‌های خیالی خاص آصفی در ذیل به‌صورت تطبیقی با نمونه‌های مشابه آن در شعر صائب و بیدل قابل قیاس است:

آصفی:

نشان ژاله، تن زار خاکساران را
(همو، ص ۱)

ز ابر حادثه، چون داغ‌های آبله ماند

صائب:

نشان پای مرا همچو لاله در صحرا
(صائب، ج ۱، ص ۳۱۸)

به داغ آبله یابند دشت‌پیمایان

آصفی:

که تخم مهر خود را سبز در دل‌ها از آن دانست
(آصفی، ص ۲۱)

شده نیلوفر باغ لطافت، نیلگون خالش

صائب:

زمین درد ته مینای عشق است
(صائب، ج ۲، ص ۷۵۸)

فلک نیلوفر دریای عشق است

آصفی:

در پریدن لرزۀ روی توام آمد به یاد
(آصفی، ص ۸۵)

اضطراب مهر در آینه دیدم برقی‌وار

صائب:

اضطراب گوهر غلطان کم از سیماب نیست
(صائب، ج ۲، ص ۶۲۶)

از دل بی‌تاب در یک جا نمی‌گیرم قرار

آصفی:

که از باران محرومی کشید این خانه هر سو، نم
(آصفی، ص ۱۵۲)

حباب گریه خواهد بر سر مردم فروآید

بیدل:

خانه بر آب است یک‌سر مردم بنگاله را
(بیدل دهلوی، ص ۲۵)

ما سیه‌بختان، حباب گریه نومی‌دی‌ایم

آصفی:

که او را، گردباد دشت وصلت، کرده دنباله
(آصفی، ص ۲۰۱)

غبار آصفی در وادی هجر است سرگردان

بیدل:

گردبادی که به دشت دل ما می‌پیچد
(بیدل دهلوی، ص ۵۴۹)

می‌کشد هفت فلک در خم یک شاخ غزال

۴. اسلوب معادله / تشبیه تمثیل

یکی از ویژگی‌های سبک شعری آصفی هروی استفاده از تمثیل و اسلوب معادله است که یک قرن بعد (قرن ۱۱) به‌عنوان یکی از ارکان سبک شعری صائب و سبک هندی شناخته می‌شود. شفیع‌ی‌کدکنی در بیان تفاوت اسلوب معادله و تشبیه تمثیل می‌گوید:

«مجموعه آنچه متأخرین بدان تمثیل اطلاق کرده‌اند معادله‌ای است که به لحاظ نوعی شباهت، میان دو سوی بیت - دو مصرع - وجود دارد و شاعر در مصرع اول چیزی می‌گوید و در مصرع دوم چیزی دیگر، اما، دو سوی این معادله، از رهگذر شباهت قابل تبدیل به یکدیگرند و شاید برای جلوگیری از اشتباه بتوان آن را اسلوب معادله خواند تا آنچه را قدما تمثیل، یا تشبیه تمثیل خوانده‌اند از قلمرو این تشبیه جدا کنیم...» (شفیع‌ی‌کدکنی، ص ۸۴)

ایشان در ادامه برای ایجاد مرزبندی دقیق‌تر میان تمثیل (= ارسال‌المثل) و اسلوب معادله، تصریح می‌کند که در اسلوب معادله می‌توان میان دو مصرع علامت تساوی قرار داد (همان‌جا).

بی‌قراری دل از آن زلف پریشان دارد
مرغ در دام چون افتاد علییدن گیرد

(آصفی، ۹۲)

نمونه‌های دیگر:

پشته‌های ریگ را مژگان مجنون خار شد
اشتران موج را خار و خس دریا بس است

(همو، ص ۲۲)

رخ تو هر که در آینه دید، گریان است
چو مه ز هاله نماید، دلیل باران است

(همو، ص ۲۹)

افزود در چه ذقنت قدر آصفی
معراج آدم است مقام فروتری

(همو، ص ۲۲۸)

۵. استعاره‌های چندلایه

یکی از ویژگی‌های سبک آصفی استفاده از استعاره‌های چندلایه است. در این شگرد شاعر تابلوی نقاشی‌ای را در مقابل مخاطب قرار می‌دهد که اجزای تشکیل‌دهنده آن

استعاره‌ها هستند. نکته مهم این است که هر یک از استعاره‌ها خود از لایه‌های دیگری تشکیل شده است که خواننده برای فهم شعر باید آنها را کشف کند. استفاده از این‌گونه استعاره‌ها بعدها به یکی از خصایص مهم سبک نازک‌خیالانه تبدیل می‌شود. به این بیت آصفی توجه کنید:

در دشت دلم آه چنان شد که ز گرمی مرغان خدنگ تو گشادند دهان‌ها

(همو، ص ۶)

در این بیت، شاعر تابلوی نقاشی‌ای را پیش روی مخاطب قرار می‌دهد که از اجزای مختلفی تشکیل شده است. خواننده برای فهم بیت، باید ارتباط اجزا (استعاره‌های چندلایه) را درک کند: در ابتدا نگاه معشوق به استعاره خدنگ خوانده شده است. در مرحله دوم ویژگی ثانویه نگاه که سیال بودن آن است مدنظر شاعر قرار گرفته و شاعر خدنگ (یا همان نگاه) را به «مرغ» تشبیه کرده و ترکیب «مرغان خدنگ» را پدید آورده است. در مرحله سوم شاعر تصویرسازی را به کمال رسانده و نشان داده که مرغان خدنگ در دشت دل (اضافه تشبیه‌ی) به علت گرمای شدید ناشی از آه، دهان خود را گشاده‌اند. در حقیقت، این تصویر نازک‌خیالانه شگرف، در سه مرحله به شکل زیر صورت‌بندی می‌شود:



یا در این بیت:

چندان شب می، جلوه نمودی رخ گلگون کاین گلشن فیروزه، گل زرد برآورد
(همو، ص ۶۱)
سه لایه تصویری شب و روز واقعی، شب و روز خیالی و جلوه کردن رخ گلگون در شب
باده‌نوشی با یکدیگر درآمیخته شده‌اند. از سویی رخ گلگون معشوق و گل زرد چهره
عاشق با یکدیگر تناسب دارند.

به نظر می‌رسد مراد از معانی دور و خیال‌های بعید که در شعر دوره بعد به فراوانی به کار
می‌رود، همین طرز تصویرگری است که در واقع ترکیبی است از دقت، اغراق و تناسب.
نمونه‌های دیگر:

آصفی راه قناعت رو که درکشت امل ریسمان دام حرص آمدن نشان پای مور
(همو، ص ۱۱۴)
ترکیب تشبیهی کشت امل در مصراع اول و تضاد میان تصویرهای خیال انگیز ریسمان
دام حرص که در غایت ضخامت و نشان پای مور که در غایت نازکی است، در مصراع دوم
به خلق تصویر چندلایه منجر شده است.

سبزه خط تو را باد کند زیر و زیر تا در آن مصحف عارض، همه اعراب شود
(همو، ص ۵۸)^۱

۱. از ابیات نازک‌خیالانه آصفی هروی برگرفته از دیوان او. دیوان آصفی شامل غزلیات، قطعات و رباعیات است. در
دیوان چاپ شده او تعداد ابیات غزلیات ۲۲۸۵، تعداد ابیات قطعات ۳۰ و تعداد ابیات رباعیات ۲۶ بیت است و در
مجموع، اشعار چاپ شده او شامل ۲۴۴۱ بیت است:

- آهوی چشم تو از سرمه برانگیخته گرد دود دل‌ها اثر گرد غزالست تو را؟ (آصفی، ص ۱۵)

عرض فراق می‌کند ایام و شرح سوز می‌گیردم به مرگ، که راضی شوم به تب (همو، ص ۱۷)

چون خسته لب تو که شد استخوان ز غم باشد به خاک سینه، مگر هسته رطب (همان‌جا)

ببین شرار دل کوهکن به دود فراق که شب نموده ز دور، آتشی که در کمر است (همو، ص ۲۳)

نشست گرد سواری بر آن خط و نرسید سواد غالیه تر، به گرد سنبل تو (همو، ص ۱۹۸)

در این بیت حسن تعلیل برای یک تصویر چندلایهٔ استعاری صورت گرفته است. در لایهٔ اولیهٔ تصویر، صورت معشوق به مصحفی تشبیه شده که حروف آن فاقد اعراب هستند. شاعر در لایهٔ ثانویهٔ خلق تصویر، حرکت موی معشوق در باد و پایین و بالا رفتن آن را عاملی دانسته برای حرکت‌گذاری حروف در مصحف عارض.

دل چو تحریر کند مصحف رخسار تو را	دیده خواهد که به سرخی، همه اعراب کند	(همو، ص ۶۸)

می‌دمد صبح، مگر مادر ایام گشاد	در وفاتم شب هجران تو، گیسوی سفید؟	(همو، ص ۸۰)

از اسپران بلا سنگ ستم داشت دریغ	دانه‌ای چند به مرغان گرفتار نداد	(همو، ص ۸۱)

باغبان، فرش رخت برگ گل و لاله نساخت	پاره‌های دل پر خون مرا باد آورد	(همو، ص ۸۳)

گل که خواهد دل صد پارهٔ بلبل دوزد	غرغزش سرزنش سوزنِ خارست هنوز	(همو، ص ۱۱۶)

گر نشست امشب ز چشم کحل خواب عافیت	آب پرور دیده را در عین خواب خوش زدم	(همو، ص ۱۵۲)

آصفی را لوح تربت نیست، سر تا پا ز خشت	چیده دفترهای اندوهست بر بالای هم	(همو، ص ۱۶۳)

ز چاک سینه وا کردم دری، سوی در جانانر		

که دل شد کوبه‌کو، می‌خواست من هم دربه‌در باشم		(همو، ص ۱۶۴)

خانه دل را ز بهر دیدنت روشن کنم	روزن آن چشم، عینک شیشهٔ روزن کنم	(همو، ص ۱۶۵)

گر توانم چاک‌های پرده دل دوختن	در خیال زلف و رویت، دال و گل می‌دوختم	(همو، ص ۱۷۷)

نه مشک است آصفی خط لب او	صف مور سلیمان منست این	(همان، ص ۱۸۰)

گشادی مصحف رخساره تا سازی مرا بسمل	برآمد گرچه بسم الله، ورق را بازگرداندی	(همو، ص ۲۱۵)

خوش است ای گریه، تنهایی مرا بهر خیال او		

نمی‌خواهم تو را هم، چون کنم؟ بی‌خواست می‌آیی		(همو، ص ۲۱۸)

نتیجه‌گیری

آصفی هروی، شاعر توانمند و کمتر شناخته‌شده نیمه دوم قرن نهم و نیمه اول قرن دهم هجری، یکی از شاعرانی است که می‌توان او را از پیشگامان سبک نازک‌خیال قرن ۱۱ و ۱۲ قلمداد کرد. استناد به شواهد تاریخی و در پی آن، بررسی ویژگی‌های سبکی شعر آصفی، صحت ادعای مطرح‌شده را تأیید می‌کند. اسناد متنی و تاریخی موجود، نشان‌دهنده شهرت سبکی آصفی، توجه شاعران برجسته سبک نازک‌خیال و دورخیال عصر صفوی به شعر وی و تقلید تعدادی از شاعران قرن ۱۰ از سبک اوست. جنبه‌های تقلیدی پیروان آصفی از شعر او، مواردی هستند که در سبک نازک‌خیال قرن ۱۱ به موارد پربسامد سبکی تبدیل می‌شوند. برخی از این ویژگی‌ها عبارت‌اند از: استعاره‌های چندلایه، تشبیهات خاص، ترکیب‌های خاص، اغراق در تصاویر نازک‌خیال و اسلوب معادله.

منابع

- آصفی هروی، دیوان، تصحیح هادی ارفع، کتابخانه طهوری، تهران، ۱۳۴۲.
- امین احمد رازی، هفت اقلیم، تصحیح سید محمدرضا طاهری «شهاب»، سروش، تهران، ۱۳۷۸.
- اوحدی بلیانی، تقی‌الدین، عرفات العاشقین و عرصات العارفین، مرکز پژوهشی میراث مکتوب، تهران، ۱۳۸۹.
- باباغانی، دیوان، تصحیح احمد سهیلی خوانساری، شرکت نسبی حاج محمدحسین اقبال و شرکا، تهران، ۱۳۴۰.
- بداونی، عبدالقادر، منتخب التواریخ، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران، ۱۳۷۹.
- بیدل دهلوی، میرزا عبدالقادر، کلیات اشعار، تصحیح خال محمد خسته و خلیل‌الله خلیلی (تعلیقات فرید مرادی)، زوار، تهران، ۱۳۸۷.
- تقی کاشی (۱)، خلاصه‌الاشعار و زبدة‌الافکار (بخش قم و ساوه)، تصحیح و تحقیق علی اشرف صادقی، مرکز پژوهشی میراث مکتوب، تهران، ۱۳۹۲.
- _____ (۲)، خلاصه‌الاشعار و زبدة‌الافکار (بخش کاشان)، تصحیح عبدالعلی ادیب برومند و محمد حسین نصیری کهنمویی، میراث مکتوب، تهران، ۱۳۸۴.
- _____ (۳)، خلاصه‌الاشعار و زبدة‌الافکار (بخش اصفهان)، تصحیح عبدالعلی ادیب برومند و محمد حسین نصیری کهنمویی، میراث مکتوب، تهران، ۱۳۸۶.
- خاقانی، دیوان، تصحیح ضیاء‌الدین سجادی، زوار، تهران، ۱۳۹۱.

- خوشگو، بندرا بن داس، سفینه خوشگو، مرکز پژوهش کتابخانه مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۸۹.
دولتشاه سمرقندی، تذکرة الشعراء، تصحیح ادوارد براون، لیدن، ۱۹۰۰م.
سام میرزا صفوی، تحفه سامی، تصحیح فاطمه انگورانی، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران، ۱۳۸۹.
شفیعی کدکنی، محمدرضا، صور خیال در شعر فارسی، نشر آگه، تهران، ۱۳۷۵.
صائب تبریزی، دیوان، به اهتمام محمد قهرمان، نشر علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۸۷.
عرفی شیرازی، دیوان، دست‌نویس کتابخانه ملی مجلس، ش ۲۵۹۴.
قهرمان، محمد، برگزیده اشعار صائب و دیگر شعرای معروف سبک هندی، سمت، تهران، ۱۳۸۸.
ماهیار، عباس، نجوم قدیم و بازتاب آن در ادب پارسی، نشر اطلاعات، تهران، ۱۳۹۳.
نثاری بخارایی، بهاء‌الدین محمد، مذكر احباب، تصحیح سید محمد فضل‌الله، دهلی نو، ۱۹۶۹م.
نوابی، عبدالحسین، رجال حبیب السیر، شرکت سهامی چاپ، ۱۳۲۴.
واله داغستانی، علیقلی، ریاض الشعراء، تصحیح محسن ناجی نصرآبادی، اساطیر، تهران، ۱۳۸۴.

